

بررسی تطبیقی سفرنامه‌های «از پاریز تا پاریس» و «سفر فرنگ» بر اساس ویژگی‌های سبکی

فهیمة شفیعہ اصفہانی^۱

چکیده

سفرنامه‌ها به عنوان یک سبک خاص نوشتاری، به دلیل اطلاعاتی که از مکان‌ها، اشخاص و فرهنگ‌ها ارائه می‌دهند، دارای جذابیت‌های ویژه‌ای هستند که مورد توجه مخاطبان قرار می‌گیرند. توجه عام به این موضوع، محققان را بر آن داشته است تا در سطوح مختلف، به بررسی این سبک نوشتاری توجه نشان دهند. بر همین اساس، پژوهش حاضر به بررسی تطبیقی دو سفرنامه «از پاریز تا پاریس» اثر باستانی پاریزی و «سفر فرنگ» نوشته آل احمد پرداخته است. توجه به جزئیات در توصیف وقایع و اشخاص و نشر تلگرافی و انتقادی آل احمد، سبک پژوهشی و نثر فاخر و علمی باستانی پاریزی در تالیف سفرنامه، ضرورت پرداختن به پژوهش را ایجاب کرده است. مسئله اصلی تحقیق این است که کدام ویژگی‌های سبکی، شاخصه‌های اصلی این دو سفرنامه را تشکیل داده و آن‌ها را از هم متمایز می‌کند؟ و آیا سابقه نویسندگی مؤلفان، در این ژانر بخصوص نمود دارد؟ یافته‌های پژوهش، حاکی از آن است که شمّ داستان‌نویسی و دیدگاه انتقادی آل احمد به امور، کاملاً در سفرنامه او متجلی شده است، و سابقه پژوهشی و دانشگاهی باستانی پاریزی، و نگاه ژرف او به تاریخ و فرهنگ در اثرش نمایان است. روش پژوهش حاضر، توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: سفرنامه، سفرنامه‌نویسی، از پاریز تا پاریس، سفر فرنگ، ویژگی‌های سبکی.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی تهران شمال، تهران، ایران

مقدمه

سفرنامه در حقیقت نوعی گزارش سفر است و بیشتر از توضیحاتی درباره‌ی اصل سفر و مطالعات مسافر به وجود آمده که حاوی خاطرات نویسنده نیز هست. به بیان دیگر «سفرنامه در حقیقت مجموعه‌ای مکتوب از مشاهدات و گزارش‌های یک مسافر است که مبتنی بر دیدگاه خاص و آرا و عقاید وی از پدیده‌های اجتماعی و اوضاع اقتصادی و سیاسی یک جامعه می‌باشد، جامعه‌ای که او در مدت زمانی کوتاه شاید فقط به جزئیات آن پرداخته است، جزئیاتی که هر چند در نظر مورخان و پژوهشگران هم عصر سفرنامه‌نویس اهمیت چندانی ندارد، اما برای پژوهشگران نسل‌های بعدی به دلیل بازسازی موقعیت‌ها و مواضع سیاسی، اقتصادی و به ویژه اجتماعی و فرهنگی گذشته از اهمیت چشمگیری برخوردار است.» (ططری، ۱۳۸۳: ۷) از آنجا که سیر و سفرها در زمینه‌های گوناگون و با اهداف متفاوت انجام می‌شده، سفرنامه‌ها نیز براساس انگیزه سفر به سیاحتی، سیاسی، زیارتی و ... تفکیک و در قالب نظم یا نثر به نگارش درآمده‌اند. (رحیمی مهر و دری، ۱۳۹۴: ۸۶) مانند سفرنامه ناصر خسرو، سفرنامه شاردن، سفرنامه خسی در میقات، سفرنامه مارکوپولو، سفرنامه ابن بطوطه و ... اگرچه در سفرنامه شیوه معمول آن است که افراد به شرح مسافرت در طی روزها و ماه‌های دیدار خود از مبدا تا مقصد بپردازند و در جریان آن دیده‌ها، شنیده‌ها، احساسات و آداب و رسوم و قضاوتها را حکایت کنند. (نصیب، ۱۳۸۲: ۲۶۱) اما با وجود این در سفرنامه‌نویسی دو شیوه رایج است در شیوه اول سفرنامه‌نویس هرچه را در روز با آن برخورد کرده است مانند یک گزارش منعکس می‌کند که در حقیقت این نوع سفرنامه، یک گزارش سیاحتی است. در شیوه دوم، سفرنامه‌نویس آنچه را که پس از سفر در ذهن به یاد دارد ذکر می‌کند، در این تعریف سفرنامه بیشتر خاطرات سفر است. (ایروانی، ۱۳۸۶: ۸۱) سفرنامه، آینه‌ای است که می‌توان انعکاس تصویر زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، آداب و رسوم، باورها و اعتقادات، رفتار و کردار و فرازو نشیب‌های زندگی جوامع مختلف را در آن دید. (پروینی و گنجوریان، ۱۳۸۸: ۱۹) از دیدگاهی دیگر سفرنامه‌ها و روایت جهانگردان ترکیبی از عقاید شخصی مولف، واقعیت‌های پیرامون او و برداشت وی از این واقعیت‌ها است. سفرنامه‌ها در بازشناسی شناخت توهمات و تصویری که در ذهنیت ملت‌ها نسبت به یکدیگر وجود دارد نقش تعیین‌کننده‌ای دارد، تحقیق و پژوهش در نوشته‌های سفرنامه‌نویسان و دریافت زیرمتن‌های آن معیاری به دست می‌دهد که از رهگذر آن می‌توان

ردپای ایدئولوژی و انگاره‌های فرهنگی سفرنامه‌نویس و فراتر از آن افکار و ایده‌های یک ملت را دریافت و ذهنیت مردمی را در یک مقطع تاریخی خاص نسبت به ملتی دیگر بازسازی کرد ذهنیتی که از تأثیرپذیری شخصیت مؤلف و تمایلات شخصی وی از اوضاع و شرایط فرهنگی، ایدئولوژیکی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و یا تمایلات استعمارجویانه شکل می‌گیرد. (علوی زاده، ۱۳۹۳: ۱۴۸) نخستین نمونه سفرنامه در زبان فارسی اخبار الصین و الهند نوشته سلیمان تاجر در سال ۲۳۵ هجری است (کراچی، ۱۳۸۱: ۱۷) با وجود این اولین سفرنامه مشهور در ادبیات فارسی سفرنامه ناصر خسرو در قرن پنجم است، این اثر گزارشی از سفر هفت ساله او از زادگاهش خراسان تا مصر و بازگشت او به وطن است. در کل مشاهدات و سفرهای گذشته‌گان و معاصرین به شهرها و کشورهای دور و نزدیک، درخور اعتناست، چرا که سفرهایشان غالباً فرمایشی نبوده است، بلکه به قصد پژوهش و گردش رفته‌اند و سوغات خود را در هیئت کتاب ارائه کرده‌اند و حتی برخی از ایشان همچون جلال آل احمد و باستانی پاریزی شیوه ویژه نگارشی باب کرده‌اند. (فاروقی، ۱۳۶۱: ۲۳۸)

مسئله پژوهش

مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که پیشینه حرفه‌ای نویسندگان دو سفرنامه «از پاریز تا پاریس» و «سفر فرنگ» چه تاثیری بر سبک نوشتاری آن‌ها در حوزه «سفرنامه‌نویسی» دارد؟ و بر همین اساس کدام ویژگی‌های سبکی، وجه تمایز این دو سفرنامه را شکل می‌دهند؟

هدف و ضرورت پژوهش

هدف از پژوهش حاضر بررسی تطبیقی دو سفرنامه «از پاریز تا پاریس» و «سفر فرنگ» می‌باشد، و شاخصه‌های سبکی و نوشتاری خاص این دو اثر، ضرورت انجام این تحقیق را ایجاب کرد.

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر، توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر منابع کتابخانه‌ایست. پس از انتخاب دو سفرنامه حاضر، ابتدا ویژگی سبکی هر یک بررسی شده و سپس این ویژگی‌ها با توجه به فعالیت‌های حرفه‌ای و نویسندگی مولفان، مورد قیاس قرار گرفته است.

پیشینه پژوهش

در زمینه سبک شناسی سفرنامه‌های آل احمد و باستانی پاریزی تاکنون اثری مستقل منتشر نشده است، اما در زمینه سبک‌شناسی سایر سفرنامه‌های ایرانی، آثار آل احمد و باستانی پاریزی پژوهش‌های صورت گرفته است، از جمله ولی‌پور و همتی (۱۳۹۷) در مقاله «بررسی ویژگی‌های سبکی سفرنامه بستان السیاحه» به بررسی سبکی این سفرنامه دوره قاجار در سه سطح فکری، زبانی و ادبی پرداخته‌اند. و به این نتیجه رسیده‌اند که موضوع غالب این سفرنامه از منظر اندیشگانی، فلسفه و عرفان، تاریخ و جغرافیا، طب، نجوم، موسیقی، مذهب و نحله‌های مختلف فکری و مذهبی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و... است. از نظر زبانی، مقوله‌هایی چون ترکیبات بدیعی، واژه‌های هندی، نوادر لغات، حذف، کاربرد صورت قدیمی ماضی استمراری و... بسامد بالایی دارد و حضور انواع تجنیس و تسجیع و بهره‌گیری از انواع تشبیهات خیال‌انگیز و تناسب‌های گسترده و... شاخصه‌های اصلی سطح ادبی آن محسوب می‌شود. مرضیه قلی‌تبار و الهه کارگر (۱۳۹۵) جوکار و نظری نسب (۱۳۹۶) در مقاله «سبک‌شناسی ساختاری سفرنامه‌های عتبات دوره قاجار» با بررسی سبک‌شناسانه سفرنامه‌های عتبات دوره قاجار به این نتیجه رسیده‌اند که سبک نگارش آنها، به تدریج از مؤلفه‌های مهم نثرهای کهن و فاخر ادبی نظیر منشآت قائم مقام فراهانی، فاصله گرفته و به سبک نگارش روزنامه‌های آن دوره، نزدیک شده است؛ زیرا عامه‌نویسی و عامه‌پسندی و وقایع‌نگاری و گاه شیرین زبانی از مختصات نثر این آثار است. از آنجا که پدیدآورندگان این سفرنامه‌ها از صاحب‌منصبان، درباریان و وابستگان قاجارند، روحیه تملق و گاه سانسور وقایع روایت‌شده بر اندیشه و اثر آنها سایه افکنده است. درویشی کوهی و صادق بصیری (۱۳۹۳) در مقاله «شاخصه‌های سبکی نثر جلال آل احمد» به بررسی آثار داستانی آل احمد در ده زمینه حذف فعل، تقدم و تاخر ارکان جمله، کاربرد واو عطف، توصیف، شکسته‌نویسی، نثر مقطع و بریده، طنز، نثر شاعرانه و زبان رمزی و تمثیلی پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که او ساختار دستوری زبان فارسی را در هم شکست و اجازه نداد که پیروی از صلابت زبان، مانع از بروز افکار و احساسات وی شود. جلال، آداب‌دانی را به کنار گذاشت و به سهولت و شتاب

آنچه را که در دل داشت به زبان آورد. هژبریان و شفیععی بافتی (۱۴۰۰) در مقاله «باستانی پاریزی روای سبک جدید تاریخ» به دلیل استقبال عوام از تاریخ نگاری باستانی پاریزی پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که علت این امر بیان طنزانه و سرشار از ظرافت‌های زبانی و اشاره به امثال و حکم و سبک نگارش متفاوت او با تاریخ نگاری رسمی است.

بحث و بررسی

جلال آل احمد، نویسنده معاصر، دوران پرفرازونشیبی را در حیات سیاسی خود تجربه کرد. عضویت او در حزب توده و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی او در دوره اول زندگی‌اش تأثیر زیادی در گرایش ادبی و اندیشه سیاسی او داشت. دوره دوم زندگی او با جدایی از حزب توده و کناره‌گیری از فعالیت‌های سیاسی آغاز شد. این دوران آغاز مطالعه و ترجمه آثار بزرگانی همچون ساتر، کامو، داستایوفسکی و... بود. سومین دوره زندگی اجتماعی-سیاسی جلال، مانند بسیاری از روشنفکران هم‌عصرش متأثر از کودتای ۲۸ مرداد بود. (فدایی مهربانی و معینی، ۱۳۹۵: ۷۱۱-۷۱۲) همه این دوران، بر زندگی ادبی و شیوه نویسندگی جلال تأثیر شگرفی داشت، به طوری که از او همواره به عنوان یک نویسنده انتقادی یاد می‌شود.

محمد ابراهیم باستانی پاریزی نویسنده، مورخ و مترجم معاصر اولین نوشته‌های خود را در قالب روزنامه‌ای به نام باستان و مجله‌ای به نام پاریز نوشت. او بیش از شصت عنوان کتاب تالیف یا ترجمه کرده است. باستانی پاریزی، مانند اکثر ادیبان و فضایی هم‌عصر خود، به جای پرداختن به مسائل سیاسی، اوقات خود را به تحقیق و تدریس اختصاص می‌داد. این دو نویسنده به ترتیب دو سفرنامه به نام سفر فرنگ و از پاریز تا پاریس دارند که به دلیل حوزه کاری و شخصیت مختلف آنها از نظر سبکی حائز اهمیت و متفاوت است.

سبک

در ادب فارسی و عربی تعبیرهای طرز، اسلوب، روش، سیاق و نمط مترادف واژه سبک به کار رفته‌اند. در زبان فارسی اصطلاح سبک شناسی را نخستین بار محمد تقی بهار برای عنوان کتاب خود سبک شناسی نثر به کار برد. در زبان‌های لاتین «استیل» به معنای سبک از ریشه ستیلوس است که قلمی نوک تیز بوده و با آن حروف را روی صفحه‌های سخت می تراشیدند.

بعدها این واژه به طور مجازی به روش خاص شکل دادن به حروف در نوشتار تعبیر شده است (فتوحی، ۱۳۹۲: ۳۳-۳۴) سبک شناسی به مفهوم مدرن و امروزی آن و در قالب روش مستقل و منسجم ادبی در تاریخ ادبیات فارسی وجود ندارد. به همین سبب برخی از محققان وجود سبک شناسی را در ادوار پیشین ادب فارسی نفی می‌کنند و معتقدند که صرف بیان محاسن و معایب کلام و یا شرح زبان شعر شاعران را نمی‌توان سبک شناسی یا نقد ادبی نامید. (غلامرضایی، ۱۳۸۷: ۲۹) با وجود این اصطلاحاتی چون شیوه، طرز، طور، روش، سیاق و ... در دیوان شاعران و کتب ادبی پیشین با معنای متفاوت مبین سبک شناسی امروزی است. در نگاهی عینی و امروزی سبک روشی است که نویسنده با اتکا به آن افکار خود را به شکل یک محصول زبانی بیان می‌کند که شامل انتخاب شکل زبانی ویژه و ترتیب آن‌ها در یک اثر ادبی است. (مقدادی، ۱۳۹۷: ۲۶۲) هر نویسنده سبک ویژه خود را دارد که از طریق آن، خواننده او را می‌شناسد. میدلتون موری، سبک را روش بیان ویژه و منحصر به فرد نویسنده می‌داند که با مطالعه دقیق خواننده کشف می‌شود. (همان) به همین سبب سبک‌شناسی یکی از مقولات اساسی است که همواره مورد توجه پژوهشگران واقع شده است. شمیسا در کتاب سبک‌شناسی نثر، سبک را به دو حوزه کلی نظم و نثر تقسیم کرده است و بیان می‌کند که «در سبک‌شناسی نثر، مهم‌ترین عامل، دقت بر انواع واژه‌ها و جملات است. هرچند بحث مربوط به زبان‌شناسی است و سبک‌شناسی معمولاً به کلام می‌پردازد، اما زبان‌شناسی نیز نهایتاً ابزاری است که سبک‌شناس با آن به مطالعه متون ادبی می‌پردازد.» (شمیسا، ۱۳۹۳: ۳۲۶)

سبک جلال آل احمد

جلال آل احمد مبتکر نثری تلگرافی، حساس، دقیق، خشن، صریح، صمیمی، منزه طلب و عصبی در ادبیات فارسی معاصر است. (رحیمیان، ۱۳۹۳: ۱۷۸) آل احمد در نوشته‌هایش نوسان فراوان دارد. این نوسان‌ها تا حدودی تاثیر گرفته از زندگی وی است. گاه به شکل رمزی و نمادین سعی دارد جامعه خود را به نقد بکشد، گاه مستقیماً درباره مسائل سیاسی و مبارزات مخالفان با حکومت پهلوی می‌نویسد؛ و گاه نیز بدون جبهه‌گیری فقط طبقات مختلف جامعه را می‌بیند و توصیف می‌کند و گاه در نوشته‌هایش به تمایلات درونی اقدار پایین جامعه توجه نشان می‌دهد. (عبداللهیان، ۱۳۷۹: ۷۶-۷۷) نثر جلال، به دلایل مذکور ویژگی‌های سهل و ممتنعی دارد. ماهیت این نثر، ریشه در روح نا آرام و ساختارشکن آل احمد در عرصه سیاست و

فرهنگ دارد به همین سبب گاهی در آثار او انتقال مفاهیم و معانی به دشواری صورت می‌گیرد. آل احمد در سبک نگارش داستانی بیشتر متأثر از نویسندگان آمریکایی بود و به نویسندگی به عنوان ابزار می‌نگریست نه هدف. (همان: ۷۸) تا جای که «او ساختار دستوری زبان فارسی را در هم شکست و اجازه نداد که پیروی از صلابت زبان، مانع از بروز افکار و احساسات وی شود. آل احمد، آداب دانی را به کنار گذاشت و به سهولت و شتاب آنچه را که در دل داشت به زبان آورد» (درویش کوهی و صادق بصیری، ۱۳۹۳: ۲۲۹)

سبک محمد ابراهیم باستانی پاریزی

نثر باستانی پاریزی، نثری دانشگاهی، درست، دقیق، منسجم، و محکم و مقید به قواعد دستوری است. از او همواره به عنوان مورخی ادیب یاد می‌شود. اما آثار او برخلاف عمده کتاب‌های تاریخی، مشحون از داستان‌ها و ضرب‌المثل‌ها و حکایات و اشعاری است که خواننده را مجذوب می‌کند. این ویژگی‌های سبکی، در سفرنامه او، از پاریز تا پاریس، نیز نمود دارد، که می‌توان از آن به عنوان شاخصه سبکی نویسنده نام برد. باستانی پاریزی در آثار خویش قلمی روان و شیوا، ساده، بی‌پیرایه و در همان حال رسا و زیبا دارد طبع شاعرانه او از یک سو به او این امکان را داده که مضامین تاریخی مورد نظر خود را جذاب عرضه کند. از سوی دیگر این توانایی ادبی به او امکان می‌دهد تا مطالب تاریخی را که ظاهراً ربطی به هم ندارد در پیوند با هم و در کنار یکدیگر قرار دهد در آثار او این پیوند بسیار ماهرانه و با ظرافت صورت می‌گیرد. (خیراندیش، ۱۳۸۲: ۳۸-۳۹)

سفر فرنگ

سفر فرنگ، مجموعه‌ای از خاطرات و سفرنامه جلال آل احمد به پاریس و ژنو است. یکی از وجوه حائز اهمیت در این کتاب توجه به زندگی فرهنگی و اجتماعی مردم است. این کتاب شامل یادداشت‌های روزانه آل احمد، از سفر او به کشورهای اروپایی است. و تنها حدود پنج هفته از سفر نویسنده را در بر می‌گیرد که پیوستگی مطالب، پس از ترک فرانسه و ورود به سوییس گسیخته می‌شود. در حین مطالعه کتاب به اسامی گروه کثیری از نقاشان، فیلم‌سازان، سیاستمداران و... همچنین با نام‌های انبوهی از اماکن تاریخی، تفریح‌گاه‌ها، رستوران‌ها، موزه‌ها، خیابان‌ها و... مواجه خواهیم شد. تیتیر هر بخش از سفرنامه شامل زمان و مکان دقیق است، و مثل شیوه لوکیشن‌نویسی در فیلمنامه/نمایشنامه است. زبان و بیان آل احمد کاملاً داستانی

است. نگاه نویسنده به مسائل انتقادی است و از اینکه به صراحت دیدگاه انتقادی خود را راجع به اشخاص و وقایع ابراز دارد، ابایی ندارد.

ویژگی‌های سبکی «سفر فرنگ»

واو عطف

یکی از مشخصات بارز سبک آل احمد در این سفرنامه، همچون آثار دیگرش، استفاده، فراوان از «واو عطف» است. از جمله تاثیرات واو عطف، همراه کردن مخاطب با متن و ایجاد صمیمیت است. بر همین اساس استفاده زیاد از این عنصر زبانی، به متن، ویژگی داستانی می‌بخشد.

– و من ساکت نشستم و مودب. زنش حسابی خانه‌داری کرده بود و پذیرایی. (آل احمد، ۱۳۹۷: ۸۰)

– و چه دستگاهی، و چه عظمتی، و چه جماعتی، و چه تجهیزاتی. (همان: ۱۱۸)

– و منشی‌اش آمد که فلانی بیمار است، و نمی‌تواند بیاید، و عذرخواهی و تلفن هتل را گرفت که ... (همان: ۷۲)

– و تصفیۀ تمام دسته‌های چپ، و تمام اقلیت‌های نژادی و اعتقادی. (همان: ۸۶)

– و بهش دسترس نیست، و کاغذم را جواب نداده، و لابد نشانی‌اش عوضی درآمده... (همان: ۱۱۲)

تقدم و تاخر ارکان جمله

تقدم و تاخر ارکان جمله، از ویژگی‌های نثر محاوره‌ای است، که در تقابل با پایبندی به قواعد و اصول دستورمندی زبان است. استفاده آل احمد از این مشخصه زبانی، تداعی‌کننده داستان‌های این نویسنده صاحب‌سبک در عرصه داستان‌نویسی است.

– و بعد این را دیدم که غرفه ایران خالی بود. (همان: ۱۲۱)

– و بعد رفتیم سراغ فرهنگ و امیدهای او به وزارت خانلری (همان: ۱۳۰)

_ پس از کتابخانه کوران، رفتیم به کلیسای قدیمی مرکز شهر (همان: ۱۳۲)

_ اما چنان تلخ بود که دم مار. (همان: ۱۰۲)

_ و زنش هی آمده بود و پرس و جو می کرد از ماحصل نهضت کردها (همان: ۱۰۷)

_ و اتاقی دادند با مخلفاتش (همان: ۱۳۲)

حذف ارکان جمله

از جمله مختصات نوشتاری جلال، که در سفرنامه او به چشم می خورد، حذف ارکان مختلف جمله، مانند حذف فعل، فاعل، و... می باشد. این ویژگی در کنار موارد دیگر، به ایجاز کلام کمک شایانی می کند.

_ ولایت ما را می شناختند، شهرمان راه و نفت راه، و مصدق راه. (همان: ۹۲)

_ و بعد که دم در هتل پیداهام کردند، تازه دعوت عصرانه، برای روز شنبه، به خانه شان (همان: ۷۸)

اصطلاحات عامیانه و کوچه بازاری

می توان گفت استفاده از اصطلاحات کوچه بازاری و عامیانه، یکی از مشخصه های سبکی آل احمد در همه ژانرهای نوشتاری او است. استفاده فراوان از این نوع اصطلاحات، جدای از اینکه به صمیمیت کلام کمک می کند، به متن صبغه داستانی نیز می بخشد. اما نکته قابل تامل در اصطلاحات عامیانه آل احمد در این است که در اغلب موارد این اصطلاحات دلالت بر نوعی تلخی و گزندگی زبان دارد، درواقع استفاده اینگونه اصطلاحات تند، بیانگر دیدگاه انتقادی نویسنده به امور و بی پروایی او از ابراز صرح عقایدش است.

_ مردک قرمیتی، پشت پیانویی، دلی دلی می کرد (همان: ۷۸)

_ این خاک برسرهای یونسکویی مفت چنگ حضراتی که با هر چیز فرنگی، چشمشان گشاد می شود و آب از لک و لوجه ها آویزان. (همان: ۱۳۰)

_ ناظر آقا بالاسرهای یک دختر بیست ساله بودم (همان: ۱۳۰)

– راستش از زندگی زابرای این سفر دارم خسته می‌شوم (همان: ۱۳۳)

– ما همه‌اش داریم با هم ولایتی‌ها می‌پلکیم، مثلاً آمده‌ایم فرنگ، اما همه‌اش توی خودمان می‌لولیم (همان: ۸۸)

– یک کمی دور هم ولایتی‌ها را باید خیط کشید (همان: ۸۸)

توصیفات

مهارت در توصیف دقیق وقایع، و اشخاص از جمله مولفه‌های اصلی داستان‌نویسی است، تا جایی که می‌توان گفت «توصیف» می‌تواند به خودی خود، یکی از جنبه‌های سبک‌ساز یک نویسنده محسوب شود و او را نسبت به دیگران متمایز کند. یکی از جنبه‌های بیانی بسیار قوی در سفرنامه آل احمد، توجه و ریزبینی او در توصیف است. آنچنان که مخاطب هیچ فاصله بین خود و اشخاص و وقایع توصیف‌شده حس نمی‌کند. همین امر که اتفاقاً در متون داستانی، موجب واقع‌نمایی می‌شود، در این سفرنامه نیز کاملاً عیان است.

الف: توصیف اماکن

– در میان آن دو شهر گشتیم، کوچک و پست و نه‌ری از میانش گذران و کوچه‌ها تنگ و از پنجره خانه‌ها، نگاهی به درون و همه چیز رفته و قانع و ساکت و آرام (همان: ۸۲)

– برگ‌ریزان بلوط‌های کنار خیابان شروع شده و باد که برگ‌ها را از روی آسفالت می‌روفت، چنان به نرمی عمل می‌کرد که انگار دست به سر برگ‌ها می‌کشید (همان: ۹۸)

– یک جا اقالیم ثلاث را بر روی دیوار تصویر کرده بودند، با پشت سر هم گذاشتن شیشه‌های قطور رنگین، در جام‌های گرد وسط بتون (همان: ۱۱۶)

– رفتیم به کلیسای قدیمی مرکز شهر. عمارتی گوتیک و رومن، و از قرن دوازده، با تعمیراتی از قرون هجده و نوزده (همان: ۱۳۲)

ب: توصیف اشخاص

– زنی است ریزه و مدام ابریشم مشکی می‌پوشد، و به رسم آسیای جنوب شرقی، سرش را می‌بندد بی‌بزک، و یک جواهر اصیل به سینه. (همان: ۸۴)

– بی‌جواب فقط سرخ می‌شود، و خجالت، چشم‌های درشتش را پر می‌کند. جیم هم که خشکه مقدس بازی درمی‌آورد (همان: ۹۹)

– من فقط دخترک را می‌پاییدم. بیست و یکی دو ساله و زبر و زرنگ و پر از ادا و زندگی. اما داد می‌زد که ازمان وحشت دارد، با فاصله‌ای که می‌گرفت (همان: ۱۲۱)

– جمالزاده گمان می‌کردم بلندقامت است، که کوتاه بود. گمان می‌کردم که تهرانی است، که هنوز ته‌لهجه اصفهانی داشت. گمان می‌کردم که روشن است، که انگار از آناتول فرانس به این طرف را نمی‌شناخت. (همان: ۱۳۱)

– مهناز ریاحی را دیدم در راه. دخترخاله عیال، که مدتی است اینجاست و مدرسه مترجم‌ها را می‌خواند. لاغر شده بود و تکیده. چشم‌ها گود افتاده و دختر جوانی که باید یک لب باشد و هزار خنده، چنان عمه‌خانم‌وار سلام و علیک کرد که جا خوردم. (همان: ۱۳۱)

از پاریز تا پاریس

«از پاریز تا پاریس» شرح سفرهای متعدد باستانی پاریزی به شرق و غرب است که با شیوایی تمام بیان می‌شود. پاریزی در این کتاب به عنوان یک مشاهده‌گر برجسته، در حوزه‌های تاریخ، فرهنگ، و هنر است. او در بازدید از مکان‌های و بناها و در برخورد با جمعیت‌های انسانی، ژرفای تاریخی و فرهنگی، نفوذ و ابعاد پنهانی را رصد می‌کند. ویژگی اصلی این سفرنامه تعهد اخلاقی نویسنده در زبان و بیان است. بر همین اساس نام اشخاص همواره با لقب و عنوان شغلی‌شان ذکر می‌شود که این نمودی از احترام نویسنده به آنهاست. نگاه کلی نویسنده به مکان‌ها، اشخاص، و حوادث مبتنی بر یک ژرف‌نگری خاص است که ریشه در فهم دقیق تاریخی و فرهنگی او دارد. تیتربندی‌ها بر اساس نوع مطلب انتخاب شده‌اند، زمان و مکان دقیق نوشته مشخص نیست. درواقع می‌توان گفت از «پاریز تا پاریس» بیشتر جنبه خاطره‌نویسی تا سفرنامه دارد.

ویژگی‌های سبکی از پاریز تا پاریس

رعایت قواعد دستوری و نگارشی

برخلاف نثر داستانی، یکی از شاخصه‌های نثر علمی، رعایت اصول و قواعد دستوری است، که به نثر فخامت و جنبه علمی خاصی می‌بخشد. یکی از ویژگی‌های اصلی سفرنامه «از پاریس تا پاریس» مقید بودن نویسنده، به این جنبه نثر است.

– پروفیسور محمدباقر استاد و رئیس گروه آموزشی زبان فارسی دانشگاه پنجاب، رکن احد و ناب اشد ادب و ذوق فارسی در لاهور محسوب می‌شود. (باستانی پاریزی، ۱۳۹۶: ۱۴۶)

– وقتی در لاهور بودم، یکی از نویسندگان جریده پاکستان تایمز ضمن گفتگویی به این نکته اشاره کرد... (همان: ۲۱۰)

– یکی از آثار بسیار مهم تاریخی رومانی، پیش‌بندری است بسیار قدیمی در کنستانتزا که نام قدیم آن تومی بوده است. (همان: ۲۸۵)

توضیحات در پاورقی

برای توضیح بسیاری از مطالب، نویسنده بخشی را به عنوان پاورقی در نظر گرفته است. این شیوه، که از اصول رایج در امور پژوهشی است، مبین دیدگاه علمی-تحقیقی نویسنده نسبت به مسائل است.

کاربرد ارجاعات برون‌متنی

این شیوه نیز، بیشتر در جهت تأیید و استناد مطالب به کار می‌رود و همچون توضیحات پاورقی، گویای رویکرد علمی نویسنده می‌باشد. از جمله ارجاعات عبارتند از:

– استفاده از ابیات مختلف، در بخش‌های گوناگون کتاب

– بیان برخی داستان‌ها و وقایع تاریخی

– عنوان کردن نام بسیار از مجلات و نشریات

توصیفات

توصیفات در این سفرنامه، بیشتر شامل توصیف اماکن می‌شود، که در خلال آن نویسنده گذری به حوادث سیاسی، اجتماعی، تاریخی نیز می‌زند. اما توصیف اشخاص به ندرت به چشم می‌خورد؛ آن دسته از توصیفات موجود هم بیشتر شامل سابقه علمی- پژوهشی اشخاص می‌شود و غالباً تحت عناوین «دکتر»، «استاد» و... در نهایت ادب و احترام از آن‌ها یاد می‌شود

الف: توصیف اماکن

_ قصر شیرین را نه‌ری مشروب می‌کند که سی سال پیش کنده‌اند و از رودخانه، آب را به شهر رسانده‌اند و لوله‌کشی شده است، وقتی به گردنه پاتاق می‌رسیم، گویی از پلکان خودکاری بالا می‌رویم، راه مال‌رو قدیم مثل خط قطار مورچگان از دره می‌گذرد. (همان: ۹۸)

_ قله شاه لاهور از بزرگترین و در عین حال زیباترین بناهای تاریخی عالم است با دیوارهای آجر قطور و محکم و برجها و تیراندازهای خاطره‌انگیز. (همان: ۱۵۳)

_ راه خیبر امروز برای افغانستان در حکم یک روزنه برای نفس کشیدن است. افغانستان به دریا راه ندارد. شمالش ستاسر روس است، و شرقش چین و کوهستان‌های عظیم تبت و وخان (همان: ۲۳۹)

_ موسسات دانشگاهی بخارست در یک جا متمرکز نیستند، هر دانشکده‌ای در گوشه‌ای از شهر افتاده است. از جمله «دانشکده تاریخ و فلسفه» که در یک ساختمان کهنه قدیمی قرار دارد. (همان: ۲۹۱)

_ رودخانه دانوب از کنار شهر وین می‌گذرد، خط سیر این رودخانه عظیم، در چند کشور اروپایی قرار دارد، و بدین سبب یک راه مهم ارتباطی برای داخله اروپاست. (همان: ۴۵۷)

ب: توصیف اشخاص

_ استاد قریشی خود درجه دکتری در تاریخ دارد و خوشبختانه زبان فارسی خوب می‌داند و خوب حرف می‌زند. او عنایت خاصی به استادان زبان فارسی و گروه آن نشان می‌دهد. (همان:

۱۳۱)

– در یکی از سفرها رفیق حجره من، دکتر حسین بحرالعلومی از معلمین باذوق و شعرشناس و نکته‌سنج و رفیقی سخت موافق بود. (همان: ۴۵۴)

– مردم رومانی متأسفانه از شراب روگردان نیستند، اغلب نوشابه آنان شراب و پذیرایی آنان با شراب است. (همان: ۳۳۸)

– این مرد بیماری قند داشت و ناچار بود از یک رژیم سخت پیروی کند، و به دستور طبیب اغلب خوراک او نان سوخته – درواقع سوخته- و آب اسفناج و یا اسفناج جوشانده بود. (همان: ۳۶۲)

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر، بررسی تطبیقی دو سفرنامه «سفر فرنگ» اثر جلال آل احمد و از «پاریز تا پاریس» نوشته محمد ابراهیم باستانی پاریزی است. باستانی پاریزی، به عنوان یک چهره دانشگاهی، محقق، مورخ، و ادیب شناخته شده است به همین سبب ویژگی‌ها و مشخصه‌های سبکی از پاریز تا پاریس، از جمله رعایت دقیق قواعد دستوری، تعهد به اصول نگارشی و ویرایشی، و رعایت ادب و اخلاق، کاملاً مطابق به سابقه پژوهشی و حرفه‌ای نویسنده است. این ویژگی‌ها سبب شده، سفرنامه باستانی پاریزی، در مقام یک اثر فاخر، علمی-تاریخی، و قابل استناد، مورد توجه قرار بگیرد. سفرنامه سفر فرنگ نوشته جلال آل احمد، در سطوح مختلف، کاملاً صبغه داستانی دارد. آل احمد به عنوان یک چهره منتقد و داستان‌نویسی صاحب سبک در این سفرنامه نگاهی انتقادی به مسائل و اشخاص در کل متن دارد، سبک و سیاق داستان‌نویسی او در این سفرنامه کاملاً مشهود است از جمله به هم ریختگی ارکان و نحو جمله که زبان نویسنده را به زبان مخاطب نزدیک می‌کند، هم‌چنین نثر تند و تلگرافی نویسنده در بیان جزئیات، که متأثر از جملات کوتاه و واوهای عطف‌پی‌درپی است، و توصیفات دقیق که با لحنی صمیمی و البته انتقادی بیان شده است، این ویژگی‌های سبکی علاوه بر جذب مخاطب خاص، سبب جذب مخاطب عام نیز به این سفرنامه شده است.

منابع

- آل احمد، جلال، (۱۳۹۷)، سفر فرنگ، تهران: نشر فردوس.
- ایروانی، محمدرضا، (۱۳۸۶)، «نگاهی به خاطره نویسی و مقایسه آن با زندگینامه و سفرنامه»، *مجله زبان و ادبیات فارسی*، سال ۳، شماره ۸، صص ۷۳-۱۰۰.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، (۱۳۹۶) / *از پاریز تا پاریس*، تهران: نشر علم .
- پروینی، خلیل و گنجوریان، فرشته، (۱۳۸۸)، «بررسی سفرنامه ابن بطوطه از منظر ادبیات تطبیقی»، *نشریه ادبیات تطبیقی*، سال ۱، شماره ۱۹، صص ۱۹-۳۸.
- جوکار، منوچهر و نظری نسب، مهران، (۱۳۹۶)، «سبک شناسی ساختاری سفرنامه‌های عتبات دوره قاجار»، *پژوهش‌های نثر و نظم فارسی*، شماره ۱، صص ۴۹-۷۱.
- خیراندیش، عبدالرسول، (۱۳۸۲)، «نقد و نظر درباره تاریخ نگاری دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، شماره ۷۵ و ۷۶، صص ۳۷-۴۳.
- درویشی کوهی، ابراهیم و صادق بصیری، محمد، (۱۳۹۳)، «شاخصه‌های سبکی نثر جلال آل احمد»، *ادب و زبان*، شماره ۳۶، صص ۲۰۹-۲۳۱.
- رحیمی مهر، زهره و دری، زهرا، (۱۳۹۴)، «بررسی تطبیقی دو سفرنامه حج»، *تحلیل و نقد متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)*، دوره ۷، شماره ۲۶، صص ۸۵-۹۸.
- رحیمیان، هرمز، (۱۳۹۳)، *ادبیات معاصر نثر (ادوار نثر فارسی از مشروطیت تا انقلاب اسلامی)*، تهران: نشر سمت.
- شمیسا، سیروس، (۱۳۹۳)، *سبک‌شناسی نثر*، تهران: نشر میترا.
- طبری، علی، (۱۳۸۳)، «کمپفر، سفرنامه نویسی متفاوت»، *پیام بهارستان*، شماره ۴۳، صص ۷-۹.
- عبداللهیان، حمید، (۱۳۷۹)، *کارنامه نثر معاصر*، تهران: انتشارات پایا.

علوی زاده، فرزانه، (۱۳۹۳)، «تصویر ایران و ایرانی در سفرنامه ژان شاردن تأملی در انگاره آفرینی و کلیشه‌ها در ذهنیت سفرنامه نویس»، *جستارهای ادبی*، شماره ۱۸۵، صص ۱۴۷-۱۷۰.

غلامرضایی، محمد، (۱۳۸۷)، *سبک شناسی شعر پارسی*، تهران: جامی.

فاروقی، فواد (۱۳۶۱) *سیری در سفرنامه‌ها*، تهران: موسسه مطبوعات عطایی.

فتوحی، محمود، (۱۳۹۲)، *سبک شناسی (نظریه‌ها، رویکردها، روش‌ها)*، تهران: سخن.

فدایی مهربانی، مهدی و معینی، امین، (۱۳۹۶)، «بررسی تطبیقی میرزا ملکم‌خان و جلال آل احمد از تجددگرایی تا هویت ایرانی-اسلامی» *فصلنامه سیاست*، دوره ۴۷، شماره ۳، صص ۷۰۵-۷۱۹.

کراچی، روح انگیز، (۱۳۸۱)، *دیدارهای دور/ پژوهشی در ادبیات سفرنامه‌ای همراه با کتابشناسی سفرنامه‌های فارسی*، تهران: چاپار.

مقدادی، بهرام، (۱۳۹۳)، *دانش‌نامه نقد ادبی*، تهران: چشمه.

نصیب، امید علی، (۱۳۸۲)، «سفرنامه ابن بطوطه به روایت مردم شناسی»، *کاوش نامه زبان و ادبیات فارسی*، شماره ۵ و ۶، صص ۲۵۹-۲۷۸.

هژبریان، حسین و شفیعی بافتی، حامد، (۱۴۰۰)، «باستانی پاریزی روای سبک جدید تاریخ»، *پژوهش در آموزش تاریخ*، شماره ۲، صص ۷-۱۶.

ولی پور، عبدالله و همتی، رقیه، (۱۳۹۷)، «بررسی ویژگی‌های سبکی سفرنامه بستان السیاحه»، *نشر پژوهی ادب فارسی*، دوره ۲۱، شماره ۴۴، صص ۲۰۳-۲۲۵.